

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

فرستنده: مارتین مندل
برگردان و پی نوشت از: دیپلوم انجینیر نسرين معروفی
۱۵ دسمبر ۲۰۱۳

حمله هوایی به قندوز یک جنایت بود!

معاون رئیس حزب چپهای المان «جان وان اکن» روز چارشنبه در باره حکم دادگاه شهر بن بیان کرد که المان در مقابل قربانیان ولایت قندوز در افغانستان بی تفاوتی نشان داد. رد دعوی جبران خسارت برای بازماندگان حمله هوایی قندوز، ضربه سخت در مقابل قربانیان ملکی جنگی است که المانها در آن شرکت دارند.

در سپتمبر سال ۲۰۰۹ دستور حمله هوایی از جانب امر قوای هوایی المان به نام کلاین نسبت ربودن دو موتر باربری مواد سوخت در ولایت قندوز افغانستان، با وجودی که می توانست از این نقطه حرکت کند که امکان دارد انسانهای ملکی مورد اصابت قرار گیرند، صادر گردید. در تلفات جانی که ذریعه حمله هوایی صورت گرفته به وجود آمد حدود صد و پنجاه انسانی که در جمع آنها اطفال هم بودند، به قتل رسیدند. از آن زمان تا به حال بازماندگان این قربانیان جنایت، مبارزه بی ثمر و بیهوده به خاطر تثبیت حقانیت خود و اعتراف المانها به بی عدالتی از جانب آنها رو به رو هستند. محکمه شهر بن با این حکم خود بر یک سلسله بی عدالتی ها در مقابل قربانیان ملکی و بازماندگان آنها صحه گذاشت، به این معنا که نه تنها در مقابل کلاین نسبت روش و عملکرد وی از تنبیه انضباطی صرف نظر کردند بلکه وی را به رتبه بالاتری هم ارتقاء دادند.

این که مقصر بودن وی در قانون شکنی مسئولیت اداری ثابت ساخته شده نمی تواند، غیر قابل تصور است. حالا دیگر می دانیم که تصمیم حمله وی در آن زمان تنها به اتکا اطلاعات ناموثق خیر دهنده صورت گرفته است. حمله هوایی قندوز یک جنایت بود، مگر متأسفانه غیر قابل کفاره دادن باقی می ماند.

پی نوشت:

اولاً دعوی جبران خسارات در دادگاه های ممالک سرمایه داری و تقاضای فیصله های عادلانه هرگز به نفع خلقها صورت پذیر نیست. قضاتی که در محاکم کشور های سرمایه داری در رأس قدرت اند، با مناسبات حاکم در چنین کشور هائی جهت حفظ منافع طبقاتی شان روابط و پیوند های ناگسستگی دارند، همین است که با زیر پا نمودن حقوق حقه خلقها ولو که حقوق آنها در تمام امور زندگی در صفحات کاغذ درج هم باشد، جهت حفظ حاکمیت سیاسی و اقتصادی طبقات حاکم به شمول نمایندگان سیاسی آنها در دولت بر سراقتهار در سیستم سرمایه داری ناگزیر هستند، به دستور آنها عمل نمایند.

ثانیاً زمانی که کشور های امپریالیستی کشوری را مورد تجاوز قرار می دهند و آن کشور را اشغال و خلق آن را به اسارت می کشانند، هیچ قانونی علیه عملکرد های قوای اشغالگر در کشور های اشغال شده وجود ندارد تا مانع از آزادیهای عام و تام و بی بند و باریهای بدون قید و شرط در جنایات و خیانت‌هایی که آنها در کشورهای تحت اشغال مرتکب می شوند، بگردد.

پس بمباردمان وحشیانه قوای اشغالگر ناتوکه به هدایت یک دگروال جبون، خودخواه و جنایتکار المان به نام کلاین در قندوز صورت گرفته بود نه تنها کشتار بی رحمانه ۱۴۲ افغانی که به امر این جنایتکار جان خود را از دست دادند از طرف محاکمه «امپریالیسم ناتو» تقبیح نگردید و مجرم شناخته نشد بلکه به مقام بالاتر هم ارتقاء نمود؛ زیرا بدون آن که در جایی نوشته شده باشد از قیل کاملاً مشخص است، که در مناطق اشغالی، شدت عمل و خشونت اشغالگران زمینه های ترقی و پیشرفت آنها می باشد. در طول تاریخ چنین بوده و چنین هم خواهد ماند.

سردمداران سرمایه در حالی که خوب می دانند که دستور وی در قندوز و آتش کشودن بر روی مردم ملکی و اطفال یک جنایت جنگی می باشد، برای تبرئه سیستم وی را برائت دادند؛ زیرا در صورتی که این شخص از طرف محاکمه کشور امپریالیستی مجرم شناخته می شد باید عین معامله با همه مجرمانی که دستان شان از سیزده سال بیشتر بدین نسو آغشته به خون خلقهای در بند ماست، صورت بگیرد. از زمانی که سرزمین ما را استعمارگران مورد تجاوز قرار داده اند فاجعه قندوز در این مدت در تمام نقاط کشور رخ داده و می دهد. پس همه این دولتهای متجاوز محکوم به قتل هزاران تن از خلق افغان هستند.

در این میان وقتی انسان می خواند که جمعی از به اصطلاح افغانهای روشنفکر، جهت محکوم نمودن جنایت، دست نیاز به طرف قدرتهای امپریالیستی دراز می نمایند، گذشته از آنانی که نمی توانند درست بیندیشند و بیچاره ها «عاجز» اند، گرانندگان چنین افتضاحاتی را فقط می توان عناصری دانست، که بوئی از شرافت و انسانیت نبرده اند.